

خبر

تلاش ترامپ برای تغییر مسیر پرونده اوکراین ارسال احضار به برای کاخ سفید

● رئیس جمهوری آمریکا برای فرار از تیغ استیضاح، دست به تغییر تاکتیک زده و تلاش دارد زلف رسوایی پرونده اوکراین را به موضوع جذاب مبارزه با فساد اقتصادی گره بزند. شبکه تلویزیونی سی‌ان‌ان گزارش داد: دونالد ترامپ در روزهای اخیر با تشدید موضوع استیضاح او به‌ویژه در رسوایی پرونده اوکراین که خواستار تحقیق درباره «هانتز پایدن»، پسر جو پایدن شده بود، گفته که این موضوع سیاسی نیست بلکه تلاشی برای مبارزه با فساد است.
کنگره آمریکا با توجه به ممانعت دولت ترامپ در ارسال اسناد مرتبط به این پرونده، سرانجام به ارسال «احضار به» به کاخ سفید برای دریافت اسناد و مدارک درخصوص ماجرای اوکراین و تماس تلفنی ترامپ با رئیس‌جمهوری آن کشور اقدام کرد.به گزارش سی‌ان‌ان، رؤسای سه کمیته کنگره (نظارت و اصلاحات، امور خارجی و اطلاعات) در بیانیه‌ای اعلام کردند: عمیقاً متأسف هستیم که رئیس‌جمهور ترامپ ما و کشور را در این شرایط قرار داده، اما اقدامات او هیچ انتخابی را جز صادر کردن احضار به برای ما باقی نگذاشته است. این شبکه خبری ادامه داد: «استفان گرشام» مسئول مطبوعاتی کاخ سفید، در پاسخ به احضار به مجلس نمایندگان گفته این احضار به چیزی را تغییر نخواهد داد، به‌جز درخواست مدارک بیشتر، اتلاف وقت و پول مالیات‌دهندگان آمریکایی؛ چراکه در آخر نشان خواهد داد شخص رئیس‌جمهوری هیچ اشتباهی مرتکب نشده است.

تعهد ترامپ به چین

در همین حال، سی‌ان‌ان در گزارش دیگری نوشت: ترامپ در تماسی تلفنی با شی چینینگ، همتای چینی خود، در ماه ژوئن متعهد شده است آمریکا در دوران مذاکرات تجاری با چین در برابر اعتراض‌های هنگ‌کنگ ساکت بماند و از آن حمایت نکند. به دنبال این اقدام، به کرت تونگ، مشاور کل آمریکا در امور هنگ‌کنگ گفته شد حضور در یک پژوهشگره آمریکایی و سخنرانی درباره اعتراض‌های هنگ‌کنگ را لغو کند. روزنامه گاردین نیز نوشت: سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در پاسخ به سوآلی درباره احتمال ممانعت از این سخنرانی به دلیل مذاکرات تجاری با چین، این مسئله را رد کرد و آن را «بر مبنای گزارش‌های ناشناس» دانست. او افزود: من چنین چیزی را واقعی نمی‌دانم.

تونگ، مشاور کل آمریکا در امور هنگ‌کنگ، پس از کناره‌گیری از سمت خود در ماه جولای در سخنرانی‌ای که در مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی داشت، گفت: دولت آمریکا باید «در زمینه دیدگاهش درباره شرایط موجود در هنگ‌کنگ، صادقانه و رک و راست صحبت کند». دونالد ترامپ در ماه اگوست در پاسخ به پرسش خبرنگاران درباره موضع آمریکا در برابر اعتراض‌های هنگ‌کنگ اظهار کرد: چیزی که میان هنگ‌کنگ و چین است، به چین مربوط است؛ زیرا هنگ‌کنگ بخشی از این کشور است. خودشان باید این موضوع را رفع و رجوع کنند. آنها به توصیه (ما) نیاز ندارند. مذاکرات تجاری آمریکا و چین قرار است در روزهای آینده در واشنگتن از سر گرفته شود.

دفاع «کری‌لام» از اقدامات پلیس شب پر خشونت هنگ کنگ

● در پی اقدام جنجالی رئیس اجرایی هنگ‌کنگ در ممنوع اعلام‌کردن استفاده از ماسک از سوی معترضان، این دولت‌شهر از شب جمعه شاهد تشدید اعتراضات خشونت‌آمیزی بوده که حاصل آن تعطیل‌شدن سیستم مترو و راه‌آهن و زخمی‌شدن یک معترض دیگر به ضرب گلوله نیروهای پلیس بوده است. رئیس اجرایی هنگ‌کنگ نیز این خشونت‌ها را توجیهی برای این ممنوعیت جنجالی دانسته است. به گزارش ایسنا، به نوشته خبرگزاری روتترز، اپراتور رآه‌آهن هنگ‌کنگ اعلام کرد متروی این دولت‌شهر روز شنبه با تداوم اعتراض‌ها علیه دولت کری لام، رئیس اجرایی هنگ‌کنگ، همچنان تعطیل باقی می‌ماند.

هنگ‌کنگ ششی پراشوب را تجربه کرد؛

به‌تجوی‌که گزارش شد نیروهای پلیس به ضرب گلوله یک معترض نوجوان را مضروب کردند و معترضان نیز در سطحی گسترده اقدام به آتش‌زدن مغازه‌ها، بانک‌ها و ایستگاه‌های مترو کردند. روز جمعه ساعاتی بعد از تصمیم مناقشه‌برانگیز کری لام در ممنوع اعلام‌کردن پوشش ماسک برای معترضان با استناد به یک قانون وضعیت اضطراری مربوط به بیش از ۵۰ سال قبل، آتش اعتراض‌ها به‌سرت شعله‌ور شد. در ماه‌های اخیر عمده معترضان هنگ‌کنگی برای اجتناب از شناسایی‌شدن در سوی نیروهای امنیتی این دولت‌شهر از ماسک استفاده کرده‌اند. این اعتراض‌ها که ابتدا به انگیزه مخالفت با یک لایحه جنجالی مجازکردن استرداد مظنون‌های قضائی از هنگ‌کنگ به چین در چهار ماه پیش بالا گرفت، اکنون به جنبش دموکراسی‌خواهانه مخالف دولت هنگ‌کنگ تبدیل شده است.

جهان

ارزیابی «نوام یوران»، استاد دانشگاه برایلان، درباره تشکیل کابینه فراگیر در اسرائیل:

هنوز نمی‌توان گفت نتانیاھو به پایان راه رسیده است



رسانه‌های اسرائیل از آن بهره می‌برند، حاکی از نوعی نژادپرستی پنهان است؛ عرب یهودی در نهایت همان عرب است! اما در زمینه خواسته‌های فهرست مشترک باید بگویم مسئله کمی پیچیده است. فهرست مشترک، علاوه بر آغاز فرایند صلح و پایان اشغال، خواسته‌های دیگری نیز در رابطه با فلسطینیان حاضر در سرزمین‌های اشغالی دارد.

دستیابی به این خواسته‌ها از یک سو آسان و از سوی دیگر غیرممکن است. آسان

است، چراکه این خواسته‌ها به‌هیچ‌روی رادیکال نیستند. به باور من، حتی می‌توان تصور کرد که شماری از اعضای حزب لیکود نیز معتقدند این خواسته‌ها منطقی هستند؛ باین‌حال، جامه عمل پوشاندن به این خواسته‌ها دشوار هم هست، چراکه فهرست مشترک آنها را مطرح کرده است. [برای مقام‌های اسرائیلی] قبول این خواسته‌ها به‌منزله «تسلیم در برابر اعراب» است.

یکی از خواسته‌های اصلی، لغو لایحه‌ای است که بر اساس آن، فقط مردم یهود مشروعیت داشته و اعراب در آن موضوعیت ندارند. مشخص نیست آیا این قانون اصلا هیچ نتیجه عملی داشته یا نه، جز آنکه وضعیت اعراب را تنزل داده و زبان آنها را به «زبانی استثنائی» تبدیل کرده است. در هر حال، چه این لایحه نتایجی داشته باشد و چه نداشته باشد، آشکار است که انگیزه اصلی آن، کینه‌ورزی علیه فلسطینیان حاضر در اسرائیل است. نکته تلخ ماجرا اینجاست که به‌خاطر ماهیت نمادین این لایحه، شانس چندان‌ی برای ملغی‌شدن آن وجود ندارد. حتی اگر گانتس بتواند تشکیل کابینه دهد، جرئت نمی‌کند این لایحه را لغو کند؛ البته او ممکن است اصلاحاتی در آن اعمال کند، مانند به‌رسیمت‌شناختن حقوق مدنی برابر و تثبیت دوباره جایگاه رسمی اعراب در اسرائیل.

در رابطه با خواسته مبنی بر پایان اشغال، مشخص نیست آیا اصلا نظامی در اسرائیل می‌تواند در آینده چنین چیزی را محقق کند یا نه. حتی اقلیتی در احزاب چپ رادیکال با راست افراطی توافق کرده‌اند که اشغال را نمی‌توان به عقب بازگرداند. آنان خواستار راه‌حل یک دولتی با حقوق مدنی برای همه ساکنان سرزمین‌های اشغالی هستند. بحث اکنون بر سر نیت‌هاست. کابینه نتانیاھو آشکارا هیچ قصدی مبنی بر رسیدن به راه‌حل

نخست‌وزیر کنونی این رژیم است:

همکاری با حزب آبی و سفید بود؛ باین‌حال، این احتمال وجود دارد که آنها به درخواست آبی و سفید از حمایت خود دست کشیدند. قضیه بر سر منافع مشترک احزاب مخالف است. از چهار حزب حاضر در فهرست مشترک، بلاد بیشترین انتقاد را از صهیونیسم دارد و خواستار احقاق حقوق جمعیت فلسطینی اسرائیل است. در مذاکرات میان سران فهرست مشترک، بلاد احتمالا مانعی بر سر حمایت از بنی گانتس بود. پس از بیانیه فهرست مشترک مبنی بر معرفی بنی گانتس به‌عنوان نامزد ائتلاف، رسانه‌ها گزارش دادند آبی و سفید ترجیح می‌دهد شانس نخست تشکیل کابینه را از آن خود نکند؛

دلایلش هم این است که در حال حاضر این حزب هیچ شانس‌ی برای تشکیل ائتلاف ندارد، اما چنانچه بنیامین نتانیاھو در این زمینه تلاش کند و شکست بخورد، ممکن است آبی و سفید بتوانند در این زمینه اقدام کنند. پس از این بود که بلاد از حمایت از آبی و سفید دست برداشت. این اقدامی غیرعادی بود. تا‌به حال فهرست مشترک در اتحاد خود دچار شکاف نشده بود. «این عوده»، رهبر فهرست مشترک، بعدها تایید کرد این اقدام به درخواست حزب آبی و سفید انجام شد.

● چنانچه نتانیاھو بتواند در تشکیل کابینه به نتیجه برسد، جیدمان احتمالی را چگونه می‌بینید؟ اگر نتانیاھو بتواند تشکیل کابینه «هد که البته ما امیدواریم چنین نشود، تقسیم وزارتخانه‌ها به احتمال زیاد تفاوتی با وضعیت فعلی نخواهد داشت. حزب راست‌گرای مبنیا احتمالا می‌خواهد وزارت آموزش را برای خود نگاه دارد که در راستای گسترش سنتی (سیاسی) در میان نسل جوان به کار می‌رود. احزاب مذهبی شاس و اتحاد یهود، امور داخلی و بهداشت را در اختیار خواهند گرفت. اتحاد یهود نماینده جامعه اشکنازی ارتدکس است و همچنان میراث ضدصهیونیستی خود را حفظ می‌کند؛ بنابراین این حزب وزارت را نخواهد پذیرفت و به همین دلیل وزارت بهداشت از سوی معاون وزیر اداره خواهد شد.

● در این صورت خواسته احزاب عرب برآورده می‌شود؟ راستش اصطلاح «احزاب عرب» را برای همان چهار حزبی به کار می‌برند که در فهرست مشترک حضور دارند. این در حالی است که هشد، بزرگ‌ترین حزب حاضر در این ائتلاف، اصرار دارد خود را حزبی یهودی-عرب بخواند. این حزب همواره یک عضو یهودی در پارلمان دارد؛ حتی اگر رای یهودیان به حدصاب نرسیده باشد (گمانه‌زنی‌ها حاکی از آن است که در انتخابات اخیر رای یهودیان به نصف کرسی‌های پارلمان برسد). این اصطلاح که اغلب

فهرست مشترک شاید اندک بود، اما تغییر مهمی در جغرافیای سیاسی اسرائیل به حساب می‌آید. این نخستین‌باری نیست که این حزب دیدگاه‌هایی نژادپرستانه دارد و باید این موضوع را بسط داد. گانتس در طول کارزار انتخاباتی‌اش اعلام کرد که کابینه‌اش با «احزاب عرب» دست به مصالحه نخواهد زد. او هنگامی که به‌دلیل این اظهارات نژادپرستانه مورد انتقاد قرار گرفت، اعلام کرد که دلایلش برای تشکیل‌نشدن کابینه با این احزاب نه عرب‌بودن‌شان بلکه صهیونیست نبودن‌شان است. در نگاه اولیه این مانند بهانه‌ای بی‌ماهه برای پوشاندن نژادپرستی او به نظر می‌آید. اما باید نگاهی عمیق‌تر به آن انداخت. او با احزاب عربی که صهیونیست باشند تشکیل کابینه می‌دهد. البته تصور یک حزب عرب صهیونیست ممکن نیست. شاید احزاب عرب نسبت به این مسئله سکوت پیشه کنند، اما تردیدی

نیست که به صهیونیسم تن نمی‌دهند. این بن‌بست نشان می‌دهد که صهیونیسم در معنای امروزی‌اش نمی‌تواند به‌شکلی رادیکال عرب‌ها و یهودی‌ها را از یکدیگر جدا کند. این امر همچنین نشان می‌دهد که حزب آبی و سفید چه مقاصدی در رابطه با اعراب حاضر در اسرائیل دارد. آنان شاید به این شرط با اعراب هم‌کاسه شوند که این مستلزم تغییر در هژمونی سیاسی نباشد.

پس از برگزاری انتخابات، عوفر سیلاخ توضیحی پراگماتیک برای امتناع حزیش در همکاری با فهرست مشترک در مذاکرات ائتلافی ارائه داد. این توضیح خیلی قانع‌کننده نبود. او گفت که به احتمال زیاد ممکن است بار دیگر در غزه شاهد درگیری باشیم و در این صورت نمی‌توانیم از احزاب عرب انتظار حمایت داشته باشیم. در این نکته حق با سیلاخ است. اگر همکاری با فهرست مشترک مستلزم تغییرات بنیادی در سیاست اسرائیل نباشد، ائتلاف به‌سرعت از هم می‌پاشد. سیلاخ از این نکته غافل است که کارکردن با فهرست مشترک نمی‌تواند صرفا عملی برآمده از خیرخواهی باشد بلکه نیازمند تجدیدنظر در سیاست خود اسرائیل نیز است که می‌تواند جلوی درگیری‌های دوباره در نوار غزه را بگیرد.

● ارزیابی شما از هم‌زمانی گفت‌وگوها برای تشکیل کابینه و جلسه استماع اتهام‌های فساد نتانیاھو چیست؟

بسیاری از تحلیلگران معتقدند که نتانیاھو به پایان دوران سیاسی خود رسیده است. نمی‌دانم این تحلیل را باید چگونه دید. تمام تحلیل‌هایی که من خوانده‌ام گرفتار نوعی خیال واهی هستند. اما شاید این‌بار حق با آنها باشد. کمابیش همه باور دارند که نتانیاھو پایش در عرض یک ماه به دادگاه کشیده می‌شود. شرکای او اعلام کرده‌اند که اگر چنین شود، آنان همچنان در کابینه او باقی خواهند ماند. در چنین حالتی، دادخواستی به دیوان عالی برده می‌شود و هیچ‌کس نمی‌داند حکم این دیوان در این رابطه چه خواهد بود. در چنین حالتی، حتی اگر نتانیاھو بتواند در هنگام برگزاری دادگاه سمت خود را حفظ کند، بسیار به شرکایش در ائتلاف وابسته می‌شود که این امر نیز ممکن است به‌سرعت از میان برود. بیشترین شانس نتانیاھو برای تشکیل کابینه در دستان آویگدور لیبرمن نهفته است که رای مهاجران روس را به سوی خود جلب کرده است. حزب لیبرمن به راست گرایش دارد، اما پس از انتخابات گذشته او تصمیم گرفت با نتانیاھو همکاری نکند. دلیل رسمی‌اش تأثیر احزاب مذهبی بر دولت بود، اما تحلیلگران معتقدند که دلایل اصلی‌اش ناخرسندی شخصی او از نتانیاھو است.

● برخی از چهره‌های سیاسی عراق خواستار برکناری نخست‌وزیر شدند همه علیه دولت عبدالمهدی

خیابانی به دست پلیس و نیروهای امنیتی عراق مجروح شده‌اند، از ترس دستگیری و بازداشت نمی‌توانند به بیمارستان مراجعه کنند. نیروهای امنیتی هم افراد مسلحی را متهم کرده‌اند که با حضور در میان معترضان به خشونت‌ها دامن زده‌اند. براساس گزارش میدل‌ایست‌آی، تعدادی از نیروهای امنیتی هم در میان کشته‌شدگان بوده‌اند. تظاهرات ضدولتی از سه‌شنبه‌شب آغاز شد و از آن زمان برخی از شهرهای عراق ازجمله بغداد، بصره، ناصریه، موصل، ذی‌قار، میسان، القادسیه، بابل، نجف، کربلا، دیاله و کرکوک شاهد اعتراضاتی گسترده به فساد اداری، بی‌کاری و نبود فرصت‌های شغلی برای جوانان و کمبود خدمات اولیه ازجمله آب و برق بوده‌اند. آن‌طور که ناظران می‌گویند، مرکز معترضان نه‌فقط بر دولت؛ بلکه بر کل دستگاه سیاسی عراق است. به گزارش صندوق بین‌المللی پول، عراق چهارمین ذخایر بزرگ نفتی جهان را در اختیار دارد و سومین صادرکننده بزرگ نفت به شمار می‌رود؛ باین‌حال گزارش بانک جهانی نشان می‌دهد که نزدیک به سه‌چهارم جمعیت ۴۰میلیونی این کشور درآمد روزانه‌ای کمتر از شش دلار دارند. بی‌کاری، به‌ویژه در میان جوانان، یکی از مشکلات عمده مردم عراق است و این در حالی است که میلیون‌ها نفر از شهروندان این کشور به خدمات بهداشتی، آموزش و آب و برق دسترسی ندارند. یکی از معترضان در بغداد در گفت‌وگو با الجزیره گفته است: «همه برادران و بستگانم از دانشگاه فارغ‌التحصیل شده‌اند؛ اما بی‌کارند؛ بنابراین اگر آینده‌ای در کار نیست، چرا من باید درس بخوانم؟». یکی دیگر از معترضان هم با اشاره به سخنرانی روز جمعه نخست‌وزیر عراق می‌گوید: «اینها وعده‌هایی هستند که ما در ۱۵ سال گذشته مرتبا شنیده‌ایم. این وعده‌ها هیچ چیزی را تغییر نمی‌دهند و ما را هم از رفتن به خیابان باز نمی‌دارند».

نگاه

از ناتوانی دولت تادست‌های پشت پرده

● عبدالرحمن فتح‌اللهی: ماه اکتبر برای عراقی‌ها و به‌ویژه برای دولت این کشور، به‌با اعتراضات خونین آغاز شد. نکته جالب و تفاوت این اعتراضات در قیاس با دیگر حرکت‌های پیشین، به‌بدون شناسنامه‌بودن حرکت‌ها اخیر از جانب حزب یا گروه سیاسی عراقی بازمی‌گردد.این مسئله از یک جنبه می‌تواند نقطه مثتی تلقی شود؛ چراکه اعتراضات بدون شناسنامه حزبی مردم عراق نشان می‌دهد جامعه این کشور با عبور از تعیین خطمشی‌های سیاسی، حزبی یا گروهی فقط به دنبال مطالبات برجای‌مانده بحق خود در بیش از ۱۵ سال گذشته هستند. درعین‌حال مشخص‌نبودن جریان حامی این اعتراضات می‌تواند این ظن را در اذهان شکل دهد که هر جریان، گروه، حزب و شخصیت عراقی یا حتی غیرعراقی می‌تواند به عنوان دست‌های پشت‌پرده ایجاد، تداوم و گسترش این اعتراضات به‌منظور بهره‌زدن شرایط کنونی عراق عمل کند.به هر حال با روی‌کارآمدن دولت عادل عبدالمهدی بسیاری از عراقی‌ها و کارشناسان امر این تصور را داشتند که با پایان یافتن عمر، یا بهتر بگویم سیکیره ۱۵ ساله حزب الدعوه بر تمام حوزه‌های سیاسی و اقتصادی عراق می‌توان روزنه‌ای را برای مبارزه با فساد گسترده و سیستماتیک این کشور، بهبود وضعیت معیشت، افزایش و ارتقای سطح رفاه، رفع مشکل بی‌کاری و برخورداری مردم از خدمات شهری‌هاحقاقت یافت. اما اکنون با گذشت نزدیک به دو سال از تصدی‌گری دولت جدید، نه‌تنها وضعیت عراق نسبت‌به دوران حیدرالعبادی، نخست‌وزیر سابق و دیگر اسلافش از حزب الدعوه، بهتر نشده که حتی با افزایش اخیر در درآمدهای نفتی عراق هنوز هیچ‌گونه عملکرد مشخص، ملموس و قابل دفاعی برای مبارزه با فساد و بهبود وضعیت اقتصادی و معیشتی عراقی‌ها صورت نگرفته است.این بدان معنا است که یا باید خود دولت را به عنوان کانون جدید فساد در چپاول درآمدهای نفتی دخیل دانست یا اینکه نخست‌وزیری توان لازم و کافی را در در‌خورد با کانون‌های فساد و اصلاح وضعیت موجود در عراق ندارد که به نظر می‌رسد یک یا هر دو عامل می‌تواند بستر و دلیل شکل‌گیری این اعتراضات باشد. بیرو این نکته یقینا اعتراضات مردمی در عراق تا رسیدن به خواسته‌های آنها توقف پیدا نخواهد کرد؛ چنان که از افزایش و گسترش دامنه درگیری‌ها به دیگر شهرها و استان‌های عراق پیادست، جامعه این کشور خسته از تغییر و تحول در جریان‌های سیاسی و دولت‌ها، به دنبال پیگیری مطالبات خود است.البته این نکته هم نگاشته نماند که تبعات این مطالبه‌گری مردم عراق می‌تواند بستر و فضای لازم برای موج‌سواری را به هر گروه و جراینی که با پانخ سیاسی باشد؛ به‌هر حال از بازنگران منطقه‌ای مانند عربستان سعودی تا امارات متحده عربی و حتی بحرین و اسرائیل تا دیگر کشورهای فرامنطقه‌ای، به‌ویژه ایالات متحده آمریکا، می‌توانند دست‌های پشت پرده در شکل‌گیری، تداوم و گسترش جریانات اعتراضی مردم عراق باشند که اگر هم چنین نباشد، وضعیت آشفته و مشتت این روزهای عراق، می‌تواند شرایط مناسبی را برای موج‌سواری این بازیگران به‌منظور رسیدن به اهداف و خواسته‌های مدنظرشان را به آنها بدهد.ریاض و ابوظبی بعد از متهم‌کردن بغداد در مشارکت با تهران در حمله آرامکو، تنش نسبی را با بغداد ایجاد کردند که با پانخ منفی عراق به درخواست عربستان برای دریافت ۲۰ میلیون بشکه نفت با هدف جبران کمبود تولید و فروش نفتش، این شکاف بیشتر شد. اما در دیگر سو «نگاه به شرق» دولت عادل عبدالمهدی از سفر اخیر به چین و تصمیم به تقویت روابط و همکاری‌های نفتی و اقتصادی دوجانبه بغداد- پکن تا برنامه جدی برای خرید سامانه اس-۴۰۰ از روسیه به‌منظور تقویت سامانه دفاع هوایی عراق نیز می‌تواند زنگ خطر انشقاق میان واشنگتن و دولت عادل عبدالمهدی را به صدا درآورد؛ کما اینکه با مواضع و بهتر بگویم هشدارهای مایک پمپئو، وزیر خارجه ایالات متحده به نخست‌ وزیر عراق، چند روز پیش از عزیمت عادل عبدالمهدی به چین، نیز هر بیننده بیرون از این تحولات به این باور می‌رسد که کاخ سفید در پشت ایجاد و تشدید جریان‌های اعتراضی چند روز گذشته عراق جا خوش کرده است. به هر ترتیب، چه هر بازیگر منطقه‌ای با نامنطقه‌ای در اعتراضات عراق دخیل باشند یا نباشند، چه تجمع‌ات مردمی این کشور یا شناسنامه حزبی باشد یا نباشد، مهم آنجا است که ناکارآمدی دولت عادل عبدالمهدی در تقابل با فساد، ارتقای وضعیت معیشتی و اقتصادی و حل معضل بی‌کاری از زمان روی‌کارآمدن دولت جدید بر شدت ناامیدی جامعه عراقی از ساختار سیاسی این کشور افزوده است و این مسئله می‌تواند به‌تدریج به غلیان، شورش و انفجار اجتماعی در عراق بینجامد. از همین‌رو است که «شورای عالی مبارزه با فساد» روز پنجشنبه هفته گذشته به دستور عادل عبدالمهدی و با هدف بررسی گزارش کمیسیون صداقت و اداره تحقیقات درباره کارمندان که در رابطه با فساد، ارتاق پول عمومی یا آسیب‌رساندن عمدی به پول عراقی محکوم شده‌اند، تشکیل شد و به موازات آن، شورای مذکور حدود هزار کارمند را به اتهام اخلاص و اتلاف پول عمومی برای ایجاد آرامش در عراق تعلیق کرد. حال باید دید که این اقدام مثبت اما درهنگام نخست‌وزیر عراق می‌تواند مهمی بر پدر ۱۶ ساله مردم عراق و به‌تبع آن، فروکش‌کردن اعتراضات در روزهای آتی باشد.